

کلیاتی از حقوق قراردادها (۳)

مترجم: سیاوش جعفری^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرېسنسې
پرتال جامع علوم انساني

اعتماد و اتکا به اظهار و وصف بیان شده

Reliance on the representation

به عنوان یک قاعده کلی، مخاطب اظهار، نه فقط باید ثابت کند که یک انسان معقول و منطقی (متعارف) به وصف و اظهار عنوان شده اعتماد و اتکا می‌نموده است (تا بدین وسیله شرط دوم، یعنی اساسی و عمده بودن وصف را برآورده نماید)، بلکه (باید ثابت کند) که او واقعاً و عملاً به آن اظهار اعتماد و اتکا نموده است. واضح است (بدیهی است) که او نمی‌تواند این امر (اتکا بر آن اظهار) را ثابت نماید، اگر آن وصف و اظهار هرگز به توجه او نرسیده باشد. (هیچ گاه مورد توجه وی واقع نشده باشد).

مسئله این است که آیا وصف و اظهار مذکور، مورد توجه و مدنظر خواهان قرار گرفته است یا خیر؟ نه این که آیا آن اظهار به طور مستقیم و بدون واسطه به او ارایه گردیده است. کافی است اگر اظهار به شخص ثالثی با این قصد صورت گرفته باشد که برای آن خواهان تکرار شده، بازگو گردد. مشروط بر آن که آن اظهار همان طور که قصد شده بود، تکرار و بازگو شده باشد و در حقیقت او را به انعقاد قرارداد تشویق و ترغیب نموده باشد.

مخاطب اظهار، قادر به اثبات این موضوع نخواهد بود که او به اظهارات خلاف واقع، اتکا و اطمینان نموده، در صورتی که در عمل حقایق امر برای او یا نماینده و قایم مقام او که در حوزه و چار چوب اختیارات و صلاحیتش عمل می‌نموده است، معلوم و آشکار بوده است. مشکل بیشتر جایی (هنگامی) بروز می‌نماید که اظهار شونده (مخاطب اظهار) واقعاً حقیقت امر را نمی‌دانسته، لیکن اقداماتی به منظور کشف آن انجام داده و یا می‌توانسته انجام دهد.

اگر مخاطب اظهار، در عمل چنین اقداماتی را به عمل آورد، لیکن موفق به کشف حقیقت نشد، می‌توان چنین گفت که او (برای انعقاد قرارداد) به اظهارات خلاف واقع اعتماد و اتکا نکرده، بلکه به قضاوت و نتیجه‌گیری عقلی خویش متکی بوده است.

بر این اساس، چنین شخصی نباید مستحق جبران (اعطای خواسته) شناخته شود و این نظریه یقیناً و بی‌تردید در صورتی که اظهار خلاف واقع یا تدلیس کاملاً فاقد عنصر سوء نیت بوده غیر متعمدانه است اعمال می‌گردد. ولی انکار و رد جبران در جایی که اظهار خلاف واقع یا تدلیس متقلبانه و نامشروع است، به معنی جایزه دادن به فریب و نیرنگ ماهرانه می‌باشد. به طوری که در چنین مواردی، جبران، صرفاً به این دلیل که کوشش ناموفقی توسط مخاطب اظهار برای کشف حقیقت صورت پذیرفته است، ممنوع نمی‌باشد (از اعطای خواسته یا جبران جلوگیری نمی‌شود). در مواردی که مخاطب اظهار فرصت و موقعیت کشف واقعیت را داشته، لیکن به راحتی از آن چنان فرصتی استفاده نکرده است، او نیز به همین نحو مستحق دریافت خسارت است، مشروط بر آن که آن اظهار خلاف واقع، متقلبانه و نامشروع و به قصد اضرار باشد. به موجب منابع و مستندات قدیمی‌تر (عمده‌ترین پرونده‌های مطروحه) این قاعده و حکم همچنین ناظر به موردی بود که وصف یا اظهار خلاف واقع غیر متعمدانه و بدون سوء نیت ابراز شده بود. اما در آن زمان که این پرونده‌ها مورد حکم و تصمیم‌گیری واقع می‌شدند، حقوق عرفی (کامن لا) هیچ‌گونه طبقه و گروه جداگانه و مستقلی را به عنوان تدلیس ناشی از غفلت و سهل‌انگاری (اظهار خلاف واقعی که از روی بی‌دقتی است) به رسمیت نشناخته بود؛ به طوری که تدلیسهایی بدون سوء نیت، کلیه اظهاراتی را که متقلبانه بودن آنها نمی‌توانست ثابت شود، در بر می‌گرفت. چنان چه اظهار کننده کاملاً بی‌گناه باشد و حال آن که مخاطب اظهار در عدم بررسی و سنجش صحت و درستی آن اظهار بی‌دقتی و بی‌مبالاتی نماید، در این حالت مخاطب اظهار می‌بایستی به این دلیل که تحت هر شرایطی و با توجه به همه مقتضیات برای او نامعقول و غیر عقلانی بوده است که به آن اظهار خلاف واقع اتکا نماید، محروم از دریافت خسارت گردد. این

مطلب، بخصوص در موردی صادق است که یک شخص خصوصی (حقیقی) یک اظهار خلاف واقع غیر متعمدانه‌ای را به یک تاجر و معامله‌گری که از شانس و فرصت بسیار بهتر و بیشتری از اظهار کننده برای کشف حقیقت برخوردار بوده است، ارایه می‌نماید.

چنانچه مخاطب اظهار (اظهار شونده) به اظهار خلاف واقع اتکا نموده باشد، می‌توان او را مستحق دریافت جبران و خسارت دانست. اگرچه عوامل دیگری نیز در ترغیب و اغوای او به انعقاد قرارداد وجود داشته باشد. در واقع این جهت‌گیری و موضع‌گیری در اکثریت عمده‌ای از پرونده‌هاست. پرداخت خسارت از بابت تدلیس و توصیف نادرست فقط زمانی رو خواهد شد که شوقها و انگیزه‌های دیگر (برای انعقاد قرارداد) آن چنان قوی باشند که ثابت کنند مخاطب اظهار در حقیقت به اظهارات خلاف واقع به هیچ وجه اعتماد و اتکا نموده است.

فشار نامعقول

IMPROPER PRESSURE

در تعدادی از موارد و شرایط حقوق عرفی (کامن لا) در مقابل قراردادهای به دست آمده از فشار نامعقول قایل به جبران می‌باشد. در اینجا واژه حساس و مهم، «نامعقول» است. تقریباً هر قراردادی تحت نوعی از فشار اقتصادی تشکیل و تنظیم می‌گردد و حتی در مواردی که این فشار قابل توجه است و به عبارت دیگر در مواردی که یک طرف قادر است یک معامله سخت و نامطلوب را باعث گردد، صحت و اعتبار قرارداد معمولاً تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد (مخدوش نمی‌گردد). لیکن حقوق در خصوص اشکال خاصی از اکراه و اعمال نفوذ ناروا قایل به جبران می‌باشد و (به علاوه) از طرف گروه‌های ویژه‌ای از افراد که آنها را مستحق حمایت خاص در برابر قراردادهای ظالمانه تشخیص می‌دهد، مداخله می‌نماید. و اخیراً نوعی پشتیبانی برای این نظریه به چشم می‌خورد که حقوق می‌تواند در موارد خاصی از عدم تساوی در قدرت معاملات، قایل به جبران گردد.

اکراه

DURESS

تعریف اولیه و ریشه‌ای از اکراه، تعریف بسیار محدود مضیقی بود. این تعریف از این قرار بود: «خشونت و فشار نا مشروع و غیر قانونی بالفعل و یا تهدید به آن و یا تحت تنگنا قراردادادن شخص طرف قرارداد.»

به موجب دسته‌ای از پرونده‌های نیمه قرن نوزدهم میلادی (پرونده‌هایی که نسبت به آنها تصمیم‌گیری شده یا منجر به صدور حکم قضایی گردیده) در نیمه قرن نوزدهم میلادی «تهدید مالی» صحت و اعتبار قرارداد را معیوب و مخدوش نمی‌نماید (اعتبار قرارداد را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد)، به نحوی که تعهد پرداخت وجه برای جلوگیری و ممانعت از توقیف و ضبط نامشروع و غیرقانونی مال و کالا و یا به دست آوردن آزادی کالاهایی که به طور غیرقانونی ضبط و توقیف شده بودند، به منزله یک قرارداد کاملاً معتبر و صحیح است (منجر به یک قرارداد کاملاً معتبر می‌گردد). لیکن در سری دیگری از پرونده‌ها، همچنین حکم داده شده است پولی که تحت چنین شرایط و اوضاع و احوالی پرداخت شده است، می‌تواند به وسیله پرداخت کننده آن بازپس گرفته شود (مطالبه گردد). و این دو سری از پرونده‌ها در حقیقت با یکدیگر مغایر و نامتجانس‌اند؛ اگرچه ممکن است بین این دو خط از پرونده‌های مغایر، بر اساس مبانی تکنیکی و فنی، صلح و آشتی برقرار نمود (بین این دو گروه از پرونده سازگار ایجاد نمود). پرونده‌های اخیر (پرونده‌هایی که در سالهای اخیر مورد حکم و بررسی و تصمیم‌گیری قضایی قرار گرفته‌اند) بیانگر این موضوع هستند که دادگاهها در حال حاضر از این نظر که فقط اکراه وارده به شخص می‌تواند یک قرارداد را از اعتبار بیندازد، تخطی نموده، عدول می‌نمایند. به عنوان مثال، این نیز گفته شده است که اکراه در جایی که یک شخص با تهدید به ایجاد حریق در خانه‌اش (تهدید به این که خانه‌اش را به آتش خواهند کشید) و یا تهدید به پاره کردن و نابود نمودن یک تابلوی نقاشی گرانبها، مجبور به انعقاد یک قرارداد گردیده، قابل ایراد و دفاع است. حتی امکان دارد پا

را از این نیز فراتر گذاشته و مواردی از اکراه را که مشهور به «اکراه اقتصادی» می‌باشند، طرح نماییم، که در این موارد یک تعهد با تهدید نمودن به انجام عملی که دارای آثار و نتایج بسیار وخیمی بر متعهد است، حاصل می‌گردد (به طوری که اگر آن اقدام به عمل آید بر وضعیت مالی و... متعهد تاثیر بسزایی می‌گذارد) برای مثال، با تهدید یک وام دهنده به مطالبه خویش از وام گیرنده، با آگاهی از این امر که قرض گیرنده در صورت عملی شدن تهدید از هستی ساقط می‌گردد. در اینجا قاعده کلی این گونه است که اعتبار قرارداد تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد و خدشه‌ای به آن وارد نمی‌گردد، مشروط بر آن که عمل مورد تهدید مشروع و قانونی باشد. هرچند که این امر تابع یک استثنا در موارد تهدیدات به تعقیب کیفری می‌باشد. (تهدید به تعقیب از طریق مراجع جزایی یک استثنا بر قاعده کلی تلقی می‌گردد). با این حال اگر تهدید مبتنی بر انجام یک عمل غیر مشروع و غیرقانونی باشد، در این جا ممکن است جبرانی از جهت تهدید و ارباب در شبه جرم وجود داشته باشد، لیکن قرارداد حاصله به وسیله چنین تهدیدی الزاماً بی اعتبار و باطل نیست. به عنوان مثال، شبه جرم ارباب و تهدید ممکن است با تهدید به نقض یک قرارداد ارتکاب یابد.

لیکن اگر چنین تهدیدی منجر به انعقاد قرارداد دومی گردد، آن قرارداد دوم الزاماً باطل و بی اعتبار نیست. (اما این که آیا تهدید منجر به اکراه از این حیث (با این هدف) می‌گردد و یا خیر، به اثر اجبار کننده واقعی آن در اوضاع و احوال پرونده خاص بستگی دارد. در مواردی که اکراه موجب بی اعتباری و بطلان قرارداد می‌گردد، اثر دقیق آن به طور مستند و مستدل تعیین نشده است. بویژه این موضوع روشن نیست که آیا اکراه قرارداد را (اساساً) باطل می‌نماید و یا صرفاً قابل ابطال می‌کند. به دلیل فقدان یک مدرک و سند معتبر و قطعی (در این خصوص)، نظر دوم ترجیح داده می‌شود (نظری که به موجب اکراه موجب قابل ابطال شدن قرارداد می‌گردد، مرجح بر نظریه اول است). زیرا نظر دوم کمتر احتمال دارد موجب به خطر افتادن حقوق اشخاص ثالث بی گناه گردد.



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علومو انسانی